

فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)

سال هفدهم، شماره ۶۵، تابستان ۱۳۸۶

تجارت و سیاست

از کمپانی هند شرقی تا وزارت فارس

پیوندهای تجاری و سیاسی محمد نبی خان و انگلستان در نیمه دوم قرن ۱۸
و اول قرن ۱۹

دکتر مسعود مرادی^۱

چکیده

دوره پادشاهی فتحعلی شاه قاجار حساس ترین و بحرانی ترین دوران های تاریخ ایران در مواجهه با دنیای غرب بود. رقابت های فرانسه، انگلیس و روسیه در منطقه برای نفوذ در دربار ایران از یک سو و مواجه شدن کشورهای ایران، هند و عثمانی با تهدیدهای خارجی از دیگر سو می توانست موقعیت های بسیار مناسبی جهت بهره برداری از اوضاع سیاسی بین المللی برای ایران فراهم نماید. احساس ناامنی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، دگرگونی های پی در پی و انقلاب های بی سرانجام و حاکمیت شمشیر و جهل امکان اندیشیدن به منافع ملی را از بسیاری از دولتمردان سلب کرده بود. محمد نبی خان تاجر و سیاست پیشه این دوران پیوند های گسترده تجاری با عمال کمپانی هند شرقی انگلیس در جنوب ایران برقرار کرده بود.

وی پس از قتل خلیف حان به سفارت در هند برگزیده شد و پس از آن نیز به مناسبت دولتی در جنوب ایران رسید. حضور او در مناصب مهم حکومتی هم زمان با دریافت حقوق ماهیانه از کمپانی هند شرقی انگلیس بود. از این رو وی منافع ایران را از منظر خود خارج کرد. این پژوهش در صدد است با محوریت تفرار دادن وی زبنه های روانی و اجتماعی عمل او را ارزیابی نماید.

واژه های کلیدی: کمپانی هند شرقی، رقابت های استعماری، منافع

ملی، کارگزاری، روابط بین المللی

مقدمه

با گسترش فعالیت های تجاری اروپائیان در شرق و پدید آمدن شرکت های مختلف تجاری نظیر شرکت مسکوی، شرکت هند شرقی انگلیس، هند شرقی هلند، هند شرقی فرانسه که فعالیت های خود را در خاورمیانه، خلیج فارس، هندوستان و آسیای مرکزی تمرکز داده بودند ایرانیان بسیاری بدان پیوند خوردند. در ایام صفویه پیوندهای موجود صرفاً تجاری بود و ثبات سیاسی ایران در طی این دوران سبب گردید تا تفوق سیاسی ایرانیان در منطقه بر نیروهای مهاجم از جمله پرتغالی ها در جنوب ایران و انگلیسیان که در صدد بودند تا از موقعیت سیاسی بهره مند گردند حفظ شود. با فرا رسیدن پادشاه عصر صفویه و شروع دوران هرج و مرج و بی ثباتی ایران، بسیاری از ایرانیان که موقعیت خود را در خطر می دیدند، از این کشور به سوی سرزمین های دوردست و امن از جمله هندوستان مهاجرت نمودند و از موقعیت های ممتازی برخوردار شدند. شکوفایی اقتصادی، امنیت، نوآوری و تغییرات تدریجی زندگی آنان در هند و سایر مناطق تحت نفوذ سطره اقتصادی یا سیاسی برنابیا، آنان را محدود و محدود انگلستان قرار داده و برخی از آنان را تا حد واستگی و فرفتگی به بیگانه و روی گرداندن از وطن مالوف خود پیش برد.

شخصیت های برجسته ای چون محمدعلی حزین از نوادگان شیخ زاهد گیلانی، میر عبداللطیف شوشتری، میرزا خلیل خان قزوینی، مهدی علیخان خراسانی و محمد نبی خان شیرازی و دهها نفر دیگر از جمله مهاجران هند و یا پیوسته به سیاست های تجاری و سیاسی انگلستان هستند. از میان شخصیت های مذکور تنها محمد نبی خان شیرازی و پیوندهای تجاری و سیاسی او با انگلستان را بیان می نمایم و سایر افراد برجسته مرتبط با مناسبات مزبور را در پژوهش های دیگر مورد بررسی قرار خواهیم داد.

محمد نبی خان به عنوان یک تاجر

آقا محمد نبی خان فرزند آقا کوچک می باشد. پدر وی به شغل تجارت با کمپانی هند شرقی انگلیس اشتغال داشت و پس از فوت مستر دگلس از کارگزاران تجارت انگلستان در بصره و بندر عباس با همسرش فیروزه که به اسلام گرویده بود ازدواج کرد که حاصل آن یک پسر و یک دختر شد. گفته می شود فیروزه دختر خانم بلک (Blake) از اشراف انگلستان و زمین داران منطقه (تویسل کاسل) Twisl Castle در دورهام Durham بوده است. (محمد نبی، ۱۳۷۹، ۶۵) طاهری و رایت او را زردشتی می دانند (طاهری، ۳۵۲؛ رایت، ۱۳۶۴، ۷۸) محمد نبی خان در سال ۱۷۶۶/۱۱۸۳ متولد شد. خانواده او در بصره به کار تجارت اشتغال داشتند و هنگامی که سرهارفورد جونز در سال ۱۷۸۴ درصد بود در این شهر فارسی بیاموزد با محمد نبی خان و شوهر خواهرش حاجی خلیل آشنایی پیدا کرد. (محمد نبی، ۱۳۷۹، ۴۷) وی از محمد نبی خان فارسی آموخت. جونز او را به عنوان منشی خود برگزید. (رایت، ۷۸) جونز تاجر بود و از آقا کوچک به عنوان تاجر بسیار معزز و محترم یاد می کند. جونز در رابطه با شکوفایی تجارت او و دوستانش می گوید: "پس ما روانه بصره شدیم و از این مدتی بر نیامده کار و بار و تجارت بالا گرفت و بیشتر اتصالات تجاری توسط جهازات به کلکته و خلیج فارس دایر و سایر بود." (به نقل از محمد نبی، ۱۳۷۹، ۴۷) او می افزاید: "بدین سان یک رشته تجارت وسیعی با حاجی خلیل در بوشهر و آقا

محمد بی در بصره و ایضا با تاحری از جماعت یر تکالیه فرنگک سینور فلیپ داکروز در کلکته و با مستر منستی و خود مولف (مستر حسن) در بصره و ملا فیروز بن کاووس مولف جارح نامه در بندر سورت و میر عبداللطیف خان و میرزا محمد علی خان شوتتری مشهور به میرزا کربلایی در بندر سمئی گشودند." علاوه بر آن وی با منستی نیز پیوندهای تجاری و سیاسی پیدا کرده بود که باعث رشد او شد (برومند، ۱۳۸۱، ۱۵۱) بدین سان منوجه پیوندهای گسترده تجاری محمد نبی خان با مراکز عمده تجاری مرتبط با انگلستان آن عصر می شویم. این پیوند موقعیت او را به عنوان یک تاجر مهم منطقه در پیوند با اقتصاد جهانی نمایان می سازد. او از موقعیت سیاسی تضعیف شده ایران در حلیج فارس به دلیل حضور قدرنمد انگلستان در عثمانی، عراق (بصره به طور اخص بدلیل صدمات آن در اثر کشمکش های بین ایران و عثمانی و انگلستان بر سر کنترل این شهر) استفاده های شایانی بر.

حسبی از تجارت محمد بی خان از طرفی مهدی علیخان صورت می گرفت. به گونه ای که او وی سه لک روپیه ماهوت خریداری کرده بود و بقیه حسابش را در سفر کلکته با فرمانفرمای هندوستان محاسبه نمود. همچنین او از طریق کمپانی هند شرقی انگلستان در ارتباط تجاری با سمئی و بغداد بوده است. (محمد بی، ۱۳۷۹، ۹۰-۹۱) گفته می شود هنگامی که در هند بود مبلغ پنجاه هزار روپیه از نواب انگلیسی مدراس بابت تسویه حساب های خود گرفت. (همان، ۳۷؛ رایت، ۱۳۶۴، ۷۸)

محمد نبی خان به عنوان سیاست مدار و سفیر ایران در هندوستان

ورود محمد بی خان به عالم سیاست با مساعی و همراهی سر هارفورد جونز صورت گرفت. دوستی دراز مدت این دو نفر آنان را در راستای منافع مشترک قرار داد به گونه ای که هر دو برای حفظ منافع اقتصادی و تجاری خود از موقعیت بحرانی روابط سیاسی منطقه ای بهره بردند. تهدید منافع سیاسی و اقتصادی انگلستان در هند از سوی رمان شاه درانی افغان و امیراتور ناپلئون ناپارت

که توانسته بود بر مصر و بخش هایی از خاور نزدیک تسلط یابد و تمایل دربار ایران برای ایجاد روابط سیاسی نظامی با او سبب شد تا کارگزاران سیاسی - اقتصادی دولت و کمپانی هند انگلیس در منطقه با استمداد از یکدیگر تلاش های گسترده ای را آغاز نمایند. از این رو ۳ تن از ایرانیان تجارت پیشه - مهدی علیخان نواب حشمت جنگ، حاج خلیل خان قزوینی ملک التجار ایران و محمد نبی خان تاجر بزرگ بصره - در جهت حفظ منافع تجاری خود به فعالیت های سیاسی در جهت کسب پشتیبانی انگلستان و کمپانی هند شرقی انگلیس اقدام نمودند. چنان که حاج خلیل خان از دنکن (Jonatan Dankain) خواست تا به سفیر بریتانیا در استانبول لرد الجین (Lord Oljin) خاطر نشان شود که او را در عثمانی تحت الحمايه دولت انگلیس قرار دهد. (رایت، ۱۳۶۴، ۶۲)

هنگامی که فرانسه درصدد ایجاد روابط سیاسی با فتحعلی شاه بر آمد کارگزاران سیاسی انگلیس در ایران درصدد بر آمدند تا مانع این امر شوند. آنان مدام شاه را از ایجاد رابطه با فرانسه بر حذر داشته و پیوسته قدرت جهانگیری انگلیس را به وی گوشزد می کردند. آنان قرار داد صلح تیلسیت (Tilisit) بین فرانسه و روسیه و انگلیس را که در تاریخ ۷ ژوئیه ۱۸۰۷ بسته شد سخت مورد توجه قرار داده و شاه را نسبت به پیمان شکنی های فرانسویان آگاه کردند. شاه نیز به توسط "محمد نبی خان" از طریق کارگزار دولت بریتانیا در بغداد سر هارفورد جونز (Sir Harford Jonse)، از نظرات دولت انگلستان مطلع می شد و اوضاع را ارزیابی می کرد. محمد نبی خان که در دوستی با انگلیسیان خلوص و ارادت خود را نشان داده بود ضمن دفع الوقت به همراه انگلیسیها به شاه توصیه "دوری از فرنیسان" می نمود. (محمد نبی، ۱۳۷۹، ۷۵-۷۴) از آن بدتر این که خاں مزبور به انگلیسی ها توصیه های کار آمدی در خصوص گسترده تر کردن تماس با شاه نموده و از مستر جونز می خواهد که "نامه های ملایمت آمیز و وعده آمیز" به تهران بنویسد و شاه را از "دوستی با فرنیسان" باز دارد. (محمد نبی، ۱۳۷۹، ۷۵) این موضوع بعدها خود ناپلئون را تحت تاثیر قرار داده بود و او از عدم توجه حدی به ایران جهت

حمله به انگلیس در هند یشیمان شده بود. وی نیز گناه شکست ییمان فرانسه - ایران را بر گردن ایرانیان و رور و پول انگلیس گذاشت. (تره زل، ۱۳۶۱، ۳۰)

هر گونه پیشرفتی در مذاکرات و روابط ایران و فرانسه نه تنها منافع سیاسی بلکه منافع اقتصادی بسیاری از کارگزاران انگلیس در ایران را با خطر مواجه می ساخت. بسیاری از آنان با منافع و مطامع بریتانیا به حویلی آشنایی داشته و آگاهانه از آن دفاع سوده اند. همان گونه که میر عبد اللطیف شوشتری شرح مفصلی از اقدامات آنان داده است. (شوشتری، ۱۳۸۳، ۲۷۲) سیاست های گام به گام انگلستان در هند که منجر به تسلط کامل بر این شبه قاره شد قلا توسط حاسوسار و همکاران محلی آنان تدارک دیده شده بود و انگلستان توانسته بود مبتنی بر شناختی که از این طریق بدست می آورد عمل نماید. شوشتری می نویسد "چون فاطمه نصارا تجسس اخبار و تفحص احوال مردم روزگار، حاصه مسلمانان را ذاتی و جبلتی است... جمعی از خود و از هنود و جماعت بت پرستان و مسلمانان تبه روزگار این دیار که به آنها پیوسته بودند به اطراف مملکت به نحس اوضاع سلطت، چگونگی احوال رعایا و برابا روانه نمودند." (همان، ۱۳۸۳، ۲۷۲-۲۷۱) استفاده انزاری از افراد محلی در راستای اهداف استعماری بود. آنان پس از حصول به مقصد این موکران را رها کرده و به دنبال متعهد دیگری می گشتند. یکی از کارگزاران ارزشمند انگلستان در هند، میرزا ابوطالب خان بود. وی می نویسد. "اما در هند از معامله کرنل هانی (Colonel Honny) و مستر متلش (Mr. Mitelton) و جانسن (Jonson) و دکتر بلین (Dr. Blain) بر من واضح سنده بود که در حین غرض خود، عذر مرا قبول ناکرده و به وعده های لطیف مرا نه مهمات خود داشتند. چون اغراض ایشان حاصل شده بود و معادیر سبک کنار کرده مرا به دست رورگار و دسمنان واگذاشته اند." (میرزا ابوطالب، ۱۳۷۳، ۱۲۷)

محمد سی حان به سر هارمورد جویر بیستنهاده کرد تا نه استانبول رفته و مانع تحقق ییمان های عثمانی با فرانسه و ایران با فرانسه گردد و توصیه نمود که "ایلچی پادشاه خود را که مقیم آن دربار بود به مدافعه فرانسسان از خواب غفلت بدار سازد." (محمد نبی، ۱۳۷۹، ۷۵) اهمیت نقش محمد

نبی خان در معادلات تجاری هنگامی بیشتر می شود که پس از قتل حاجی خلیل خان در درگیری های اتباعش با سپاه کمپانی در شهر بمبئی در ۲۰ جولای ۱۸۰۲، به عنوان سفیر ایران در هند برگزیده می شود.^۱ در زمانی که نعش سفیر مقتول راهی عتبات عالیات بود ساموئل مستی Samuel Manesty به بهانه وجود طاعون از همراهی نعش خودداری و نماینده اتس مستر دی (Daye) و نظر علی - داماد محمد نبی - را راهی سفر نمود. او خود و هیات همراهش در چمن سلطانیه برای عذرخواهی به حضور شاه رسید. (مقتون دنبلی، ۱۳۸۳، ۱۰۰؛ سپهر، ۱۳۷۷، ۱۲۹) محمد نبی خان به فرمان شاه راهی تهران گردید. مدتی بعد ظاهراً "به سبب قرابت او با حاجی خلیل خان مقتول خطاب "خانی" و "مناصب" خلیل خانی" به وی داده "به ابلجی گری هند تعیین نمود." (ابوظالب خان، ۱۳۷۳، ۴۲۵) اما در باطن به توصیه دوستان انگلیسی نامبرده و به امید اجرای قرارداد سرجان ملکوم (Sir John Malcolm) او را روانه دربار حکومت انگلیسی هد نمود. (رایت، ۱۳۶۴، ۷۹)

قبل از اعزام مهدی علی خان و حاج خلیل خان به تهران در ماه اوت ۱۷۹۹ ریچارد ولرلی (Richard Wellesely) فرمانروای هند، سرجان ملکوم را برای به سرانجام رسیدن سه موضوع به تهران فرستاد: "اول ترغیب شاه به دفع تجاوزات زمان شاه به مرزهای هند. دوم مقابله با نفوذ فرانسه در ایران و جلوگیری از تبانی فرانسویان و ابراتیان برای حمله به هند از خاک ایران یا خلیج فارس، سوم عقد دو عهد نامه، یکی سیاسی برای رسمیت بخشیدن به تعهد ایران جهت عدم همکاری با فرانسه، دیگری اقتصادی برای گسترش معاملات بازرگانی ایران و هند." (سابکس، ۱۳۶۶، ۴۳۷/۲)

۱. (برای اطلاع از جزئیات این حادثه و چگونگی رحورد انگلیسیان با آن رک. سپهر، ۱۴۷۱-۱۴۷۲/۳: مقتون دنبلی، ۱۰۰-۱۰۱)

در واقع سفارت محمد بی خان دنباله سفارت حاج خلیل خان و در راستای اهداف و نیات ریچارد ولزلی طراحی شده بود. فتحعلی شاه در نامه ای مفصل به تاریخ صفر ۱۲۱۸ او را به عنوان سفیر خود اعلام و راهی هند می نماید. او می نویسد: "عالیجاه رفیع جایگاه عزت و سعادت پناه... مقرب الحضرت العلیه العالیه محمد نبی خان ملک التجار وارد آستان عدالت ارکان و شرفیات حضور ... گردیده بنا بر ظهور قابلیت و آراستگی عالیجاه... را به خطاب خانی و شغل ملکالتحاری ممالک محروسه و خدمت سفارت سربلند ... فرموده ایم" (محمد نبی، ۱۳۷۹، ۶۹) شاه در این نامه هیچ اشاره ای به موضوع سفارت نکرده و تنها وظایف او را در رابطه با اموال و وراثت خلیل خان یادآور می نمود. در همین حال منستی از جانب ولزلی یک لک روپیه به نبی خان داده تا او بتواند راهی سفر گردد. (همان، ۷۰) رایت می گوید او در بغداد مبلغ ۵۰ هزار روپیه از جونز گرفت. (رایت، ۱۳۶۴، ۸۰)

محمد بی خان در اکتبر ۱۸۰۵ با کشتی جهانگیر وارد بمبئی گردید. صاحب منصان انگلیسی چون کئل ولسون (Wilson) و مستر گودوین (Goodwin) و تعدادی از ایرانیان نظیر سید تقی تاجر و پسر برنگ مهدی علیخان موسوم به محمد جان (میرزا محمد جعفری، ۱) به پیشواز رفته و ورود او را خوش آمد گفتند. مفتون دهبلی مدعی است که قریب دویست هزار نفر به استقبال او رفتند. (۱۳۸۳، ۱۰۱؛ سپهر، ۱۳۷۷، ۱۲۹) این استقبال بی شک در روحیه محمد نبی خان تاثیر مثبتی گذاشت. اگرچه سایکس جاندارانه مدعی است که با او به سردی رفتار شد. وی می خواهد به بی اهمیتی ایران در مناسبات خارجی انگلستان بپردازد. (سایکس، ۱۳۶۶، ۲/۴۳۸) احمد کرمانشاهی که خود هنگام ورود وی در هند بوده است نام دو تن از همراهان او یعنی محمد حسین فرزند میرزا مهدی شهرستانی و سید حسن فرزند سید عبدالله عطار را آورده و ورود آنها را ماه رجب ۱۲۲۰ ذکر می کند. (کرمانشاهی، ۱۳۷۵، ۲۴۷) همو مدعی است که در قم و همدان با وی ملاقات داشته و او را عالی همت و صاحب جود و بخشش دیده است. (همان، ۲۵۱)

مسئله او که مصالح اقتصادی و تجاری خود را در پیوند با انگلیسیان می دید می توانست خواسته های ولزلی را جامه عمل بپوشاند. چنانکه در هنگام انعقاد قرارداد ایران و فرانسه، شاه منتظر جواب سفارت او بوده و بی صبرانه خواستار چگونگی ارسال کمک انگلیسیان به ایران در باز پس گیری سرزمین های متصرفی روس بود. اما با توجه به عملکرد یک سو نگران و انگلیسی پسند محمد نبی خان از یک طرفی و تحولات جدید بین المللی که دشمنی انگلیس و روسیه را به دوستی تبدیل کرده بود و ایران وجه المصلحه این سیاست قرار گرفت. سفیر هفت ماه منتظر ملاقات فرمانفرمای انگلیسی هند ماند. وقتی هم که او را ملاقات کرد فهمید که چرا «فرمانفرمای هندوستان» و «دیر کتوران کمپنی» دو سال از دادن جواب خودداری کردند. (محمد نبی، ۱۳۷۹، ۷۵)

از مذاکرات پنهانی که محمد نبی خان با گورنر بمبئی (حاناتن دنکن) در روز پنجشنبه (نوامبر ۱۸۰۵) داشته است اطلاعی نداریم ولی جزئیات دقیقی از برگزاری مجلس و آراستن آن با انواع تیرینی ها و شربت ها و سایر تکلف ها به همراه اسامی شرکت کنندگان، سمت های آنان گزارش شده است. (همان، ۸۲-۸۰)

محمد نبی خان در ادامه سفرش در ۱۴ فوریه ۱۸۰۶ بمبئی را به قصد کلکته ترک کرد. او در ۴ مارس ۱۸۰۶ وارد آب های کلکته شده و همانند بمبئی مورد تکریم و احترام فوق العاده ای قرار گرفت. در ۲۸ آوریل ۱۸۰۶ او با فرمانفرمای هندوستان مذاکرات سفارتش را آغاز کرد. در این مذاکرات سفیر بر "معاونت مقابله روسیه و اجرای شروط عهدنامه مالکوم" پای فترد. اما ولزلی از مسئولیت شانه خالی کرده و گناه تاخیر جواب و پاسخ صریح را بر گردن "دیرکتوران کمپنی" در لندن انداخت. ظاهراً سایر مسائل عهدنامه مالکوم به بحث گذاشته نشده و ادامه مذاکرات پیرامون تعیین کونسولگری انگلیس در بوشهر بوده است که این اقدام بر مذاق انگلیسیان خوش آمده و موجبات امتنان آنها را فراهم نموده است. در حالی که شاه چنین ماموریتی به وی نداده بود و از همین رو او نزد انگلیسیان قابل "ستودن" گردید. (محمد نبی، ۱۳۷۹، ۹۰) بخش دیگر مذاکرات

داد. از در این سیاست که در جهت حفظ آرامش و امنیت خلیج فارس و رونق کشتی رانی و تجارت خصوصاً مال التجاره کمپانی هند شرقی بسیار اهمیت داشت مورد توجه و حمایت فرمانفرما (حسینعلی میرزا) شاهزاده فاجار حاکم فارس فرار گرفت. (محمد بی، ۱۳۷۹، ۹۵) این ایام از او با عنوان "وزیر اعظم مملکت فارس که در عقل و تدبیر نادره روزگار بود" ذکر می‌کند. (میرزا محمد جعفر، ۳۱)

محمد بی خان از دوستی و حمایت سر هنری ویلاک (Sir Henry Willock) و جونز در حکومت خود برخوردار بود. جونز از دیدارهای خصوصی و محرمانه خود با او سخن می‌راند. اگرچه آگاهی چندانی بدست نمی‌دهد اما به او می‌نماید که "با شما که دوست قدیم و اتحاد من در حد کمال است، قلم نکشان است و برای ما ممکن نیست که پیش روی مردم به آزادی بتوانیم صحبت بداریم." (محمد بی، ۱۳۷۹، ۹۷) محمد بی خان در پاسخ او می‌گوید که "به خوبی این را می‌دانید که من اوایل عمرم را در خدمت شما به سر بردم و حالا کمال خوشبختی در این است که نا به انحاء میساید ما همین حال غلی اندوام برقرار و استوار باشد." (همان، ۹۸-۹۷) او به انگلیسی‌ها اطمینان می‌دهد که "امروز سیاست میرزا بزرگ قائم مقام وزیر آذربایجان دیگر کسی را نمی‌بسم. که مانند من مستحق اعتماد و استوار دوستی باطنی شما را داشته باشد." (همان، ۹۸) این اعتماد متقابل وجود داشت و محمد بی خان بارها صداقت خود را در دوستی با انگلستان به نمایش گذاشته بود. در این ایام دو تن از کارگزاران مهم سیاست انگلیس در بوشهر حضور داشتند کاپیتان پیسلی (Pissely) خواهزاده مالکوم که مأمور رفتن به دربار جهت جاسوسی بود و دیگری ن.ه. اسمیت (Smith) که امور تجاری را در بوشهر و بصره در جهت سیاست انگلستان سامان دهی می‌کرد. و نا بروس (Brouss) که قبلاً در بوشهر بود بیوند داشت (ibid.78-79) اسمیت از سال ۱۸۱۰ امور مسقط را از بوشهر به موجب فرمان دانکن اداره می‌کرد (Saladanha.p.80). او خود امیدوار بود که حالا در مقام کارگزار حکومتی می‌تواند برای انگلستان "در شیراز و تهران مصدر خدمات بزرگ باشد." (محمد بی، ۱۳۷۹، ۹۸) محمد بی خان

سعی و مراقبت زیادی در عدم افشای مناسبات پنهانی خود با انگلستان داشت. او خود و همکارش جونز را از رفتار و گفتاری که "موجب شک" گردد برحذر می داشت. و نیز توصیه های لازم در جهت اهداء پیشکش ها و تعارفاتی به شاه، وزرا، و شهزادگان به جونز می کرد. از آنجایی که نهان روشی در بین افراد وابسته به بیگانه با نهایت دقت انجام می گیرد و در این راستا بسیاری از دولتمردان قاجار از دریافت حقوق و مستمری مادام العمر یا پیشکش هایی که بتواند آینده اقتصادی آنان را در جامعه ای که مردم آن از گذر حوادث ناگوار و تسلط اوباش زورمدار بر سرنوشت خویش در رنج بوده است تضمین نساید دریغ نمی کردند. لیکن کارگزاران سیاست خارجی انگلستان با وقوف بر این زمینه روانی اقدام به ایجاد رابطه با آنان نموده و به تصریح جونز "هر وقتی که با وزرای ایران کارهای نهانی لازم بشود، توسط (یا واسطه گری) شما را نهایت پسندیده و مقبول" می دانند. (محمد نبی، ۱۳۷۹، ۹۹) همو در این دیدار محرمانه اطلاعات گرانبها و کار آمدی از اوضاع فارس، شاهزاده قاجار شیراز و سایر مطالب مهم آن دیار از محمد نبی خان می گیرد. نویسنده سفارت می نویسد: "لہذا خان معظم به اوصاف صفات فرمانفرما و وزیرش نصرالله خان و سایر بزرگان در کمال آزادی و طول (مفصل) آغاز نمود." (همانجا)

کارگزاران انگلیسی هند برای بهره گیری از موقعیت سیاسی ایران و مساعدت های کسانی چون محمد نبی خان، حاجی یوسف، جواهری مابق لطفعلی خان که رابط میرزا بزرگ با جونز محسوب می شد و عبدالله آقا عامل سابق انگلستان در کمپانی هند بصره در صدد بر آمدند تا چاره ای دیگر جویند. نامه هایی از سوی فرمانفرمای هندوستان به جونز نوشته شد که: "از مملکت ایران بیرون آیند، زیرا که به جهت این کار جنرال مالکوم بهادر با دو هزار سپاه روانه خواهد شد تا جزیره خارک را که در خلیج فارس واقع است بگیرد." (همان، ۱۰۴-۱۰۳) محمد نبی خان در جریان این امور قرار گرفت و پیشاپیش خبر آن را به دربار ایران ارسال داشت. مالکوم که بر اثر گسترش نفوذ فرانسه، انگلیس را شکست خورده می دید این پیشنهاد را به فرمانفرمای هند لرد میتو Minto داد و او پذیرفت. (سایکس، ۱۳۶۶، ۲/۴۴۵) لرد میتو در سال ۱۸۰۸ مامور خود سرجان

ملکوم را با نوصیه ریر به ابراه فرستاد: "هدف مهم دیگری که باید در ایران به آن دست یافت بیرون نگاه دانستن فراسویان و جلوگیری از ناسیس هر گونه نگاهی در هر یک از بادر یا جزایر تحت حاکمیت دولت ایرد در خلیج فارس توسط آنها یا خارج نگاه داشتن آنها از هر گونه تاسسات و نگاه تجاری در داخل محدوده نمود انگلیس ها برحذر داشت جونر نیز به مقامات هند نوصیه نمود تا در مرفعت مناسب تری به نصررف این جزیره اقدام نمایند. (رایت، ۱۳۶۴، ۶۹)

با توجه به اینکه، محمد نبی خان مامورست بافت تا درصدد مدافعه بر آید و لوازم دفاع را مهیا سازد، اما آن چنانکه از شواهد ه فرانس بر می آید او محمد نبی خان خشتی را به جزیره فرستاد تا مراسم استقبال از مالکوم را فراهم نماید و خود "طریقه سلوک و مدارا پیش نموده ایشان را نا رسیدار، این حس از لندن به جزیره جارک برود آورد. (محمد نبی، ۱۳۷۹، ۱۰۴) بدین ترتیب با اشغال یکی از مهم ترین جزایر خلیج فارس که دارای موقعیت ژئوپولیتیکی بسیار مهمی بود انگلستان می توانست نظاره گر تمام تحرکات ایرانیان و اعراب باشد. اعراب جواسم متحد و هابیون بوده و باوگانی متشکل از ۶۳ کشتی و ۱۹ هزار نفر ملاح و دریا نورد داشتند. آنها بزرگترین تهدید برای منافع تجاری کمپانی محسوب می شدند و شیخ آنها مدعی پرداخت باج توسط کمپانی بود (Arnold, 1877, 203). این امکان پدید می آمد تا از آن منتلفه تسلط خود را به قلمروهای عثمانی در ممالک عربی سهولت بخشند در گذشته نیز این جزیره بدست هلندیان افتاده بود و نوانسته بودند ارونادرود و بصره را به خطر اندازند. این گروه توسط میر مهنا از جزیره بیرون رانده شدند. (سایکس، ۱۳۶۶، ۲/۴۰۵) جعفر علیخان بهادر (حد میرزا حس خان وکیل الدوله شیراز در ۱۸۸۶ که بعدها عضو کمیسیون تحدید حدود روسیه و افغانستان بود) به نوصیه محمد نبی خان از کازرون به جوهر بیوست و او با عبدالله آقای ترک و میرزا بزرگ رای میرزا شیخ صدراعظم را موافق ساستهای انگلیس کردند. (محمد نبی، ۱۳۷۹، ۱۰۴) آنها به همراه حنر و موریه که با هدابای گران قیمتیه نه دربار راه یافته بودند موفق شدند رای شاه را سست به فرانسه عوض نمایند. (سایکس، ۱۳۶۶، ۲/۴۴۵؛ موریه، ۱۸۶)

محمد نبی خان برادرش میرزا جعفر خان را نیز در حکومتش شریک کرد. او بنای احادی و بدرفتاری با مردم گذاشت. این امر موجبات نارضایتی مردم و برخی از کارگزاران از جمله میرزا بزرگ را در پی داشت. او یک بار توسط نسق چی باشی بوشهر به زندان افتاد اما توسط برادرش محمد نبی خان آزاد شد و مجدداً به حکومت بوشهر فرستاده شد. نسق چی باشی معزول گردید. (محمد نبی، ۱۳۷۹، ۱۰۷) اندکی بعد محمد نبی خان و برادرش مورد توجه و تشویق شاهزاده حاکم شیراز قرار گرفتند. سفیر انگلیس و هیات همراه او نیز در ۱۸ دسامبر ۱۸۰۸ به این شهر وارد و با آنان دیدار و مذاکراتی داشتند. محمد نبی خان در این ایام بجای نصرالله خان قراگوزلو به وزارت فارس رسیده بود. و در همین ایام (۱۸۰۸-۱۸۰۹) سفارت دوم مالکوم از هند به ایران صورت گرفت. (سایکس، ۱۳۶۶، ۲/۴۴۵) و در شیراز با استقبال محمد نبی خان مواجه شد. (محمد نبی، ۱۱۱) او به برادرش نیز سفارش نمود که در بوشهر نیکی های زیادی در حق مالکوم به جای آورد. (مالکوم، ۲/۴۹۵) در کتاب خود ترجمه میرزا اسماعیل می نویسد در سال ۱۸۰۰ که بار اول به شیراز رفته شاهزاده حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس بوده چراغعلی خان نوایی وزیر و میرزا محمد خان پسر حاجی ابراهیم صدر اعظم شیرازی مدیر مالیات و نصرالله خان قره گوزلو حکمران سپاه بودند. اما در سال ۱۸۱۰ شاهزاده فرمانفرما و محمد نبی خان وزیر فارس و مدیر مالیات و صادق خان قاجار سپهدار بود. (۱۱۳-۱۱۲). سفارت به نقل از تذکره حیات و مراسلات سرجان مالکوم می نویسد که در سفر دوم سرجان مالکوم به شیراز که شاهزاده فرمانفرما را دیده بود مالکوم - و سال قبل از آن از ایران خارج شده بود و شاهزاده نهایت تأسف اظهار نموده و گفت: من و پدرم هر دو از رجعت ناگهانی دوست قدیمی مان دلگیر شدیم.. (محمد نبی، ۱۳۷۹، ۱۱۵)

با اعمال خودسرانه و تجاوزکارانه محمد جعفر خان و سیل شکایت از او به تهران و با تهمت اختلاس به محمدنبی خان ستاره اقبال او رو به افول گذاشت و شاه او را به تهران فراخواند.

ابتدا نسبت به کسری وجوهات مالی و بدهی او به دولت مرکزی و سپس برای قتل شیوخ عرب دموح مورد مواخذه قرار گرفت. او خود نیز تمایلی به ماندن در حکومت نداشت و

در آمده‌های هنگفت و حقوق ماهیانه‌ای که کمپانی برای او در نظر گرفته بود کافی به نظر می‌رسید. اما رهایی از این محصوره برایش امکان پذیر نبود. علاوه بر آن اوضاع شیراز نیز بر اثر گرانی نان و احتیاج برخی از کارگزاران حکومت نظیر میرزا هادی مشکلات تازه‌ای برای محمد نبی خان فراهم آورد. سرانجام پس از شش سال وزارت فارس، حسینعلی میرزا فرمانفرما پرونده محمد نبی خان را برای بستن تکمیل کرد. او به همراه سایر رقبای محمد نبی خان از جمله میرزا بررگ قائم مقام، حاج محمد حسن خان امیرالدوله حاکم اصفهان، موضوع رابطه و امتیاز بختی او به انگلیسی‌ها را بهانه فرار دادند.

در سال ۱۸۱۰ سومین ماموریت مالکوم به ایران صورت گرفت که حکایت از پیروزی کامل سیاست انگلستان در دربار ایران دارد. مالکوم در این سفر افرادی چون لیندسی Lindsay که به فرماندهی کل فوای ایران رسید، یوتینجر و کریستی که به دستور او به سفر اکتشافی بلوچستان رفته و کتاب مسافرت‌های افغانستان یادگار آن است. کینگیر (Kinngir) نویسنده خاطرات جغرافیایی را همراه خود داشت و خود او تاریخ ایران را پس از این سفر نوشت. (سایکس، ۱۳۶۶، ۲/۴۴۷) در هشتم ژوئیه ۱۸۱۰ گزارشی که صحت آن مورد تردید است علیه محمد نبی خان از جانب کمیته محرمانه اداره امور سیاسی حکومت نمینی خطاب به فرمانفرمای هندوستان ارسال شد: "بفرار اطلاع حاصله محمد نبی خان سفیر فوق العاده ایران در کلکتہ که از طرف کمپانی هند شرقی یک هزار روپیه مقرری می‌گرفته حق نعمت را شناخته و نفوذ خود را به نفع فرانسوی‌ها در ایران بکار انداخته است. اگر این مطلب حقیقتاً صحت داشته باشد البته مقرر خواهید فرمود مقرری مزبور در حق وی قطع شود". (رائین، ۳۲ به نقل از اسناد وزارت امور خارجه انگلیس. ج. ۱۱۸، F.O.60)

سرگوراورلی باد آور می‌شود که هیات انگلیسی دیگری به رهبری او در ۱۹ نوامبر ۱۸۱۱ به نهران رسید و سمر شریدن به جای جونر عهده دار آن شد. سر ویلیام اوژلی نیز همراه این هیات بود. او خود با میرزا شعیب و امیرالدوله مذاکره کرد. براساس اظهارات او محمد نبی خان و میرزا

بزرگ قائم مقام در اکثر مسایل داخلی و خارجی ایران صاحب نظر و صاحب نفوذ بودند. اما مسئله قتل شیوخ دموخ موقعیت محمدنبی خان را تضعیف کرده بود. او مراتب "اضطراب" و "پریشان حالی" خود را از اخباری که درباره محمدنبی خان شنیده بود اظهار کرد. (محمدنبی، ۱۳۷۹، ۱۲۵)

امین الدوله راهی شیراز شد. بسیاری از معترضان محمدنبی خان با او همکاری هایی را آغاز کردند. نتیجه آن اثبات تصرف خان در مالیات فارس، سازش با انگلیسی ها، واگذاری کارخانه ای در بوشهر به آنان و همچنین فراهم آوردن زمینه های لازم برای تأسیس کنسولگری انگلیس و تأسیس پادگانی مرکب از سپاهیان هندی بود. این اتهامات که اثبات آن بسیار آسان بود کافی است تا شخصیتی مثل او را در اذهان شاه و مردم خراب نموده و مستحق پایمال شدن جلوه دهد.

امین الدوله گزارش خود را به شاه داد و اظهار داشت "دور نیست که یک وقتی تمام سواحل فارس را به انگلیسیان خواهد داد. و از آن روی دولت وظیفه دارد و ماموریت چنین شخصی در فارس و سواحل فارس به کلی صلاح دولت و ملت نیست." (محمدنبی، ۱۳۷۹، ۱۲۶) شاه فرمان عزل و مصادره اموال و املاک او را صادر نمود. بنا براین در ماه مارس ۱۸۱۳ تمام اموال و املاکش به ضبط در آمد و خود وی با خانواده اش به بقعه سید میر محمد پناه برد. از آنجا دست به دامن حکومت هند شد تا بختی از حقوق ماهیانه اش را پیش پرداخت جهت قروضش به او بدهند. با توجه به اینکه مبلغ مورد نظر او ۹۶ هزار روپیه از هند فرستاده شد اما کار ساز واقع نگردید. سرانجام خان در سوم دسامبر ۱۸۱۵ در همان بقعه بدرود حیات گفت و جنازه اش را برای تدفین به کربلا بردند. (محمدنبی، ۱۳۷۹، ۱۲۸-۱۲۹)

نتیجه

محمدنبی خان در زمره اولین تجار ایرانی مرتبط با کمپانی هند شرقی در دوران جدید تاریخ ایران پس از استقرار دولت با ثبات قاجار است. پیوندهای او با انگلیسیان بیشتر از روابط تجاری

گسترش یافته و با بیودهای سیاسی و حتی حاسوسی برای برخی از کارگزاران آنها پیش رفت. او که دومین سفیر دولت قاجار در دربار حکومت انگلیسی هند بود در حساس ترین و بحرانی ترین شرایط سیاسی ایران بداد مأموریت فرستاده شد. انتظار دولت مرکزی ایران جلب حمایت و دوستی انگلیسیان خصوصاً حکومت آنان در هند بود تا بتواند با استفاده از آنان به مقابله با روسیه پردازد. روسیه در این زمان تهدیدی برای حکومت انگلیس در هند محسوب می شد. اگر تزار روسیه یل که فرمان حرکت به سوی هندوستان را در سال ۱۸۰۰ صادر کرد نمرده بود چه بسا نکته های حمله آنان به هند علیه منافع انگلستان عملی می شد. (سابکس، ۱۳۶۶، ۲/۴۳۶) فرانسه نیز با طرح مارنگو (نبرد زل، ۱۳۶۱، ۲۲) که برای اجرای آن به سوی ایران گرایش پیدا کرده بود می توانست منافع انگلستان را در هند با خطر جدی روبرو کند. لذا انگلستان می بایست از طریق متحدانش در میان ایرانیان از جمله محمد نبی خان مانع تحقق این دوستی شود.

ارتقاء محمد نبی خان از مقام ملک التجاری به سفارت ایران حکایت از پیروزی سیاست های انگلیس در منطقه داشت اعرام او به هندوستان از سوی دربار ناآگاه فتحعلی شاه سبب شد تا ایران در حساس ترین دوران تاریخ خود زمان ریادی را از دست داده و نتواند از موقعیت جدید سیاسی جهانی بهره برداری نماید. سرانجام بر اثر تلاش های محمد نبی خان و دوستانش ثمرات زیادی قبل از آنکه نصیب ایران شود به دولت انگلیس رسید.

به این ترتیب اقدامات تجاری و سیاسی محمد نبی خان که فرجام خوبی برای او و ایران نداشت فرصت های طلایی را به تهدید علیه منافع ملی تبدیل کرد و سیاستمداران و کارگزاران ایرانی نتوانستند از نضاد بین دول اروپایی و زمینه های همدلی منطقه ای که در هند، عثمانی، افغانستان و سرزمین های غرب بدید آمده بود به نفع خود و منطقه استفاده نمایند.

منابع و مأخذ

- برومند، صفورا، (۱۳۸۱) سرکنسولگری بریتانیا در بوشهر (۱۳۳۲ - ۱۱۷۷)، تهران، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.
- بینا، علی اکبر، (۱۳۴۲) تاریخ دو هزار و پانصد ساله خلیج فارس، مجموعه خلیج فارس، جلد نخستین، تهران، انتشارات رادیو.
- تره زل، کامیل آفرنس، (۱۳۶۱) یادداشت های ژنرال تره زل در سفر به ایران، به اهتمام ژ. ب. دوما، ترجمه عباس اقبال، تهران، یساولی.
- جونز، سرهارفورد، (۱۳۵۶) آخرین روزهای لطفعلیخان زند، ترجمه هما ناطق و جان گرنی، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر.
- رایت، سرویس، (۱۳۶۴) ایرانیان در میان انگلیسیان، ترجمه منوچهر طاهرنیا، تهران، انتشارات آشتیانی.
- رائین، اسماعیل، (۱۳۵۶) حقوق بگیران انگلیس در ایران، تهران، جاویدان.
- سایکس، ژنرال سرپرسی، (۱۳۶۶) تاریخ ایران، ترجمه سید محمد تقی فخرداعی گیلانی، ج ۲، تهران، دنیای کتاب، چاپ سوم.
- سپهر، محمد تقی اعتماد السلطنه، (۱۳۷۷) ناسخ التواریخ (تاریخ قاجاریه) به اهتمام جمشید کیانفر، تهران، اساطیر.
- ستاندیش، جان، (۱۳۸۳) ایران و خلیج فارس، ترجمه عبدالرضا سالار بهزادی، تهران، نشر نی.
- شوشتری، میر عبداللطیف خان، (۱۳۸۳) تحفه العالم و ذیل تحفه، به کوشش صمد موحد، تهران، طهوری.
- طاهری، ابوالقاسم (بی تا) تاریخ روابط بازرگانی و سیاسی انگلیس و ایران، ج ۱، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی.

- کرمانشاهی، احمد، (۱۳۷۵) *مراآت الأحوال جهان ساء*، به اهتمام عتی دوانی حلد (۲)، تهران. انتشارات مرکز انفلات اسلامی.
- کلی، حی، بی. و سیوری، راجر ام، (۱۳۷۷) *خلیج فارس از دوران باستان تا اواخر قرن ۱۸ میلادی*. ترجمه حسن رنگنه، قم، موسسه فرهنگی همسایه.
- مالکوم، سر جان، (۱۳۶۲) *تاریخ ایران*. حلد ۲. ترجمه میرزا اسماعیل حیرت، تهران، انتشارات سعدی، جیب دوم.
- محمد نبی، (۱۳۷۹) *تاریخ سفارت حاجی خلیل خان و محمد نبی خان به هندوستان*، به اهتمام غلامحسین میرزاصالح، تهران، کویر.
- محمود، محمود، (۱۳۳۲) *تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس*، ج ۱. تهران، افشار.
- مفتون دبلی، عبدالرزاق، (۱۳۸۳) *مآثر السلطانه*، به کوشش فیروز منصوری، تهران، اطلاعات.
- میرزا ابوطالب خان لادی، (۱۳۷۳) *سیر نظامی می بلاد امرنجی*، به کوشش حسین خدیوچم، ج ۳، تهران، علمی فرهنگی.
- میرزا محمد جعفر، مجموعه جعفری، نسخه خطی، کتابخانه دانشگاه بمبئی شماره ۷۵-۴۲.
- Arnold, Arthur, *Through Persia by Caravan*, London: Tinsley Brothers, 1877.
- Ingram, E. *An Aspiring Buffer State: Anglo-Persian relations in the third coalition, 1804-1807*. *Historical Journal*, XVI, (1973), P. 509-533.